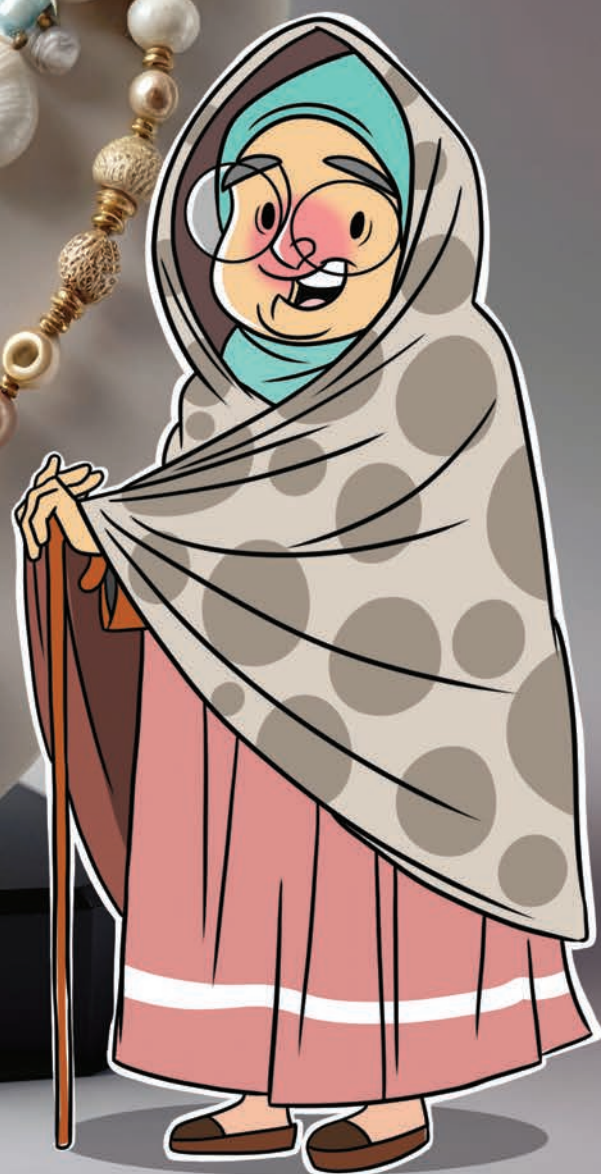


از دریافت سوغاتی  
تا ایده‌ی زیور آلات دست‌ساز  
صدف

## سنگ سوغات یا سنگ جرقه‌زن؟

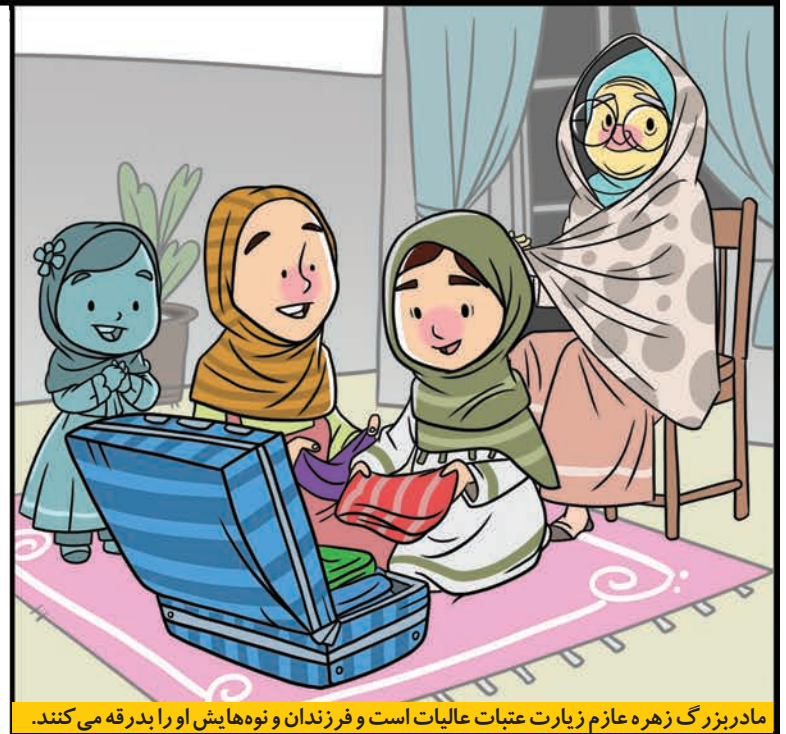
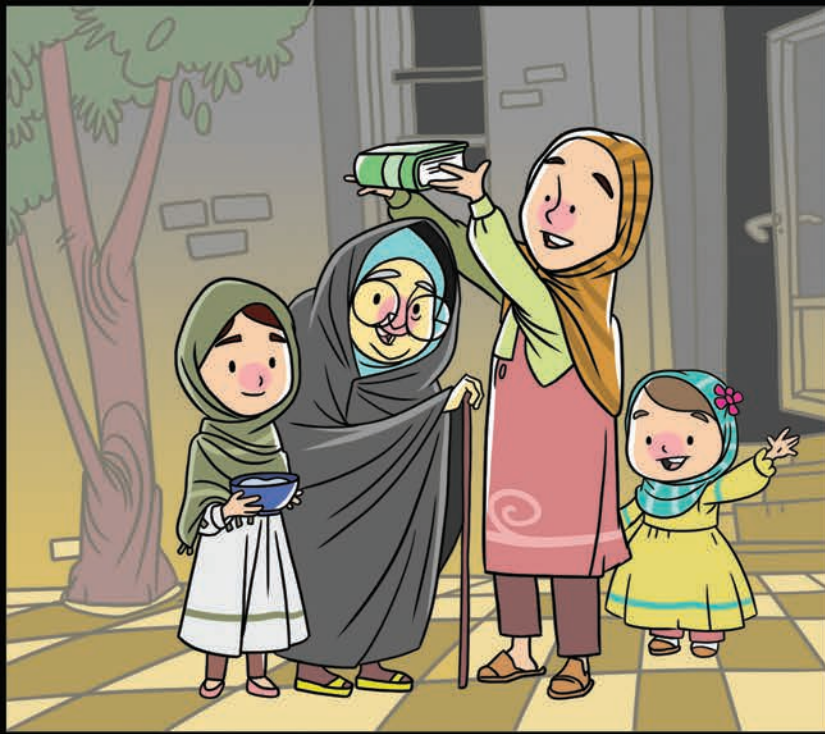


از دریافت سوغاتی تا ایده‌ی زیورآلات دست‌ساز صدف

لیلی شیرازی

زهره، دختر نوجوان این داستان، نوهی اول مادر بزرگش است. مادر بزرگ زهره به زیارت عتبات عالیات (حرم امامان شیعه در عراق) می‌رود. پس از بازگشت مادر بزرگ و دادن سوغاتی‌های سفر به اهالی خانواده، تدارک ولیمه (مهمانی بعد از زیارت) را می‌بینند. در طول سفر و پس از آن اتفاق‌هایی می‌افتد که بخش مهمی از آن به زهره ارتباط دارد. در این داستان، بخشی از ماجراهای این سفر و اتفاق‌های پس از آن را عمدتاً از زاویه‌ی ارتباط به زهره می‌بینیم و می‌خوانیم.

# سنگ سوغات یا سنگ جرقه‌زن؟



مادر بزرگ زهره عازم زیارت عتبات عالیات است و فرزندان و نوه‌هایش او را بدرقه می‌کنند.



مادر بزرگ ابتدا به قصد زیارت حرم امیرالمؤمنین علی (ع) به نجف اشرف می‌رود.



شوق سفر در چهره و رفتار مادر بزرگ به چشم می‌آید.

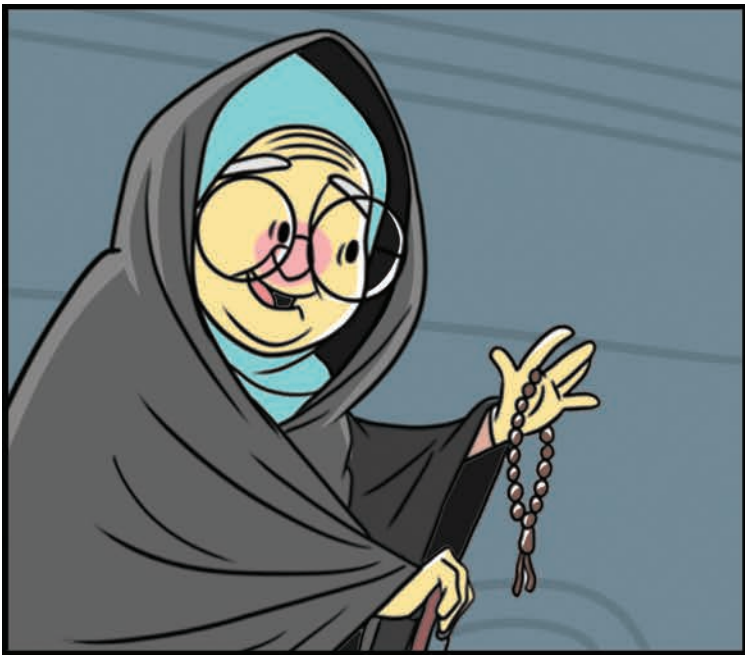


مادر بزرگ علاوه بر زیارت، خریدن سوغاتی، مخصوصاً برای نوه‌ها را از یاد نمی‌برد.



خواندن نماز به جماعت و در حرم حضرت علی (ع) حس خوبی به مادر بزرگ می‌دهد.





هنگام بازگشت مادر بزرگ نوه‌ها هم به استقبالش می‌روند.



مادر بزرگ بقیه‌ی سوغاتی‌ها را هم تقسیم می‌کند.



اول باید این تسبیح ساخته شده از تربت را به نوه‌ی اولم، زهره هدیه کنم که ماجرای دارد.

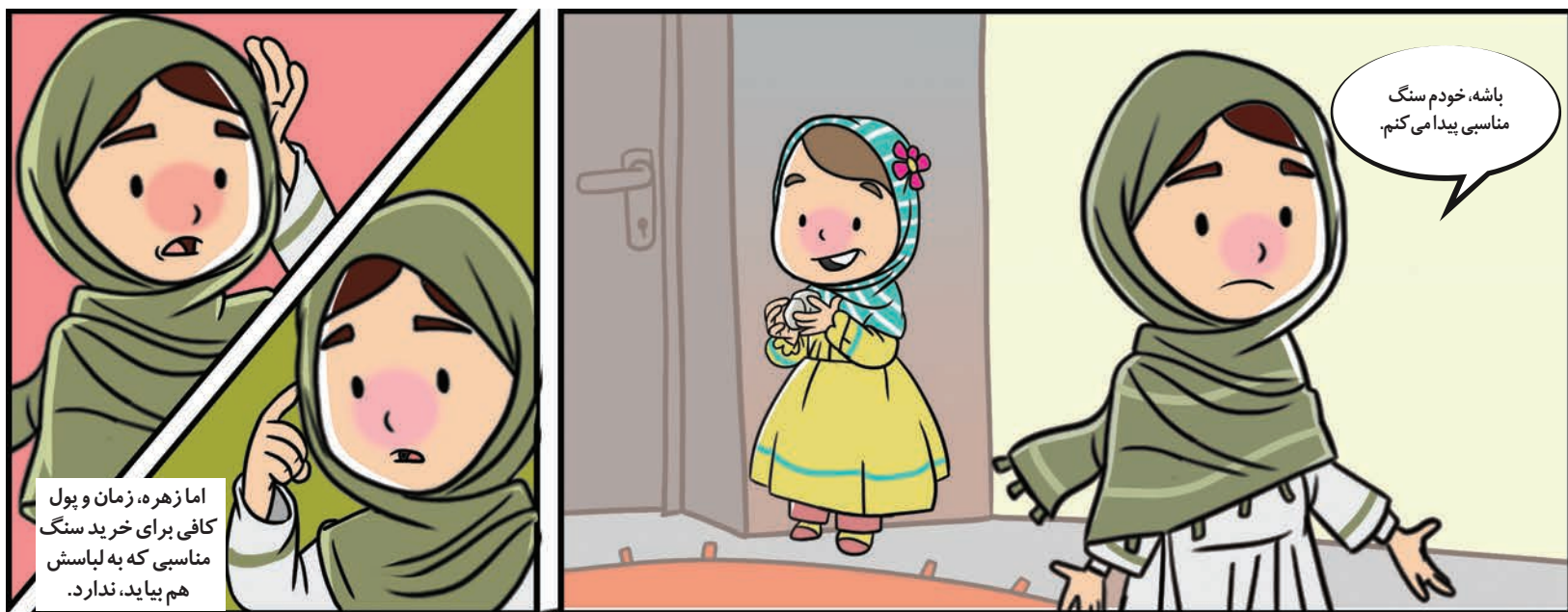


مرجان این دُر خیلی به لباس من می‌یاد، می‌شه به من قرضش بدی که آماده‌ش کنم و برای روز مهمانی ولیمه‌ی مادر بزرگ ازش استفاده کنم؟

نه، تو سوغاتی خودت رو گرفتی. من هم همین‌طور.

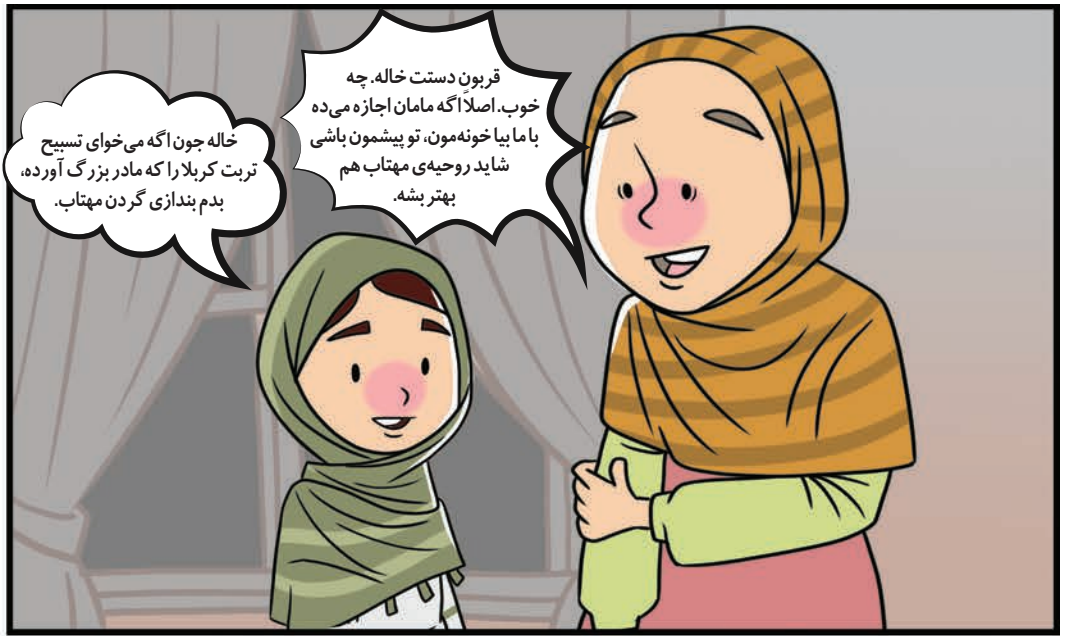


هنگام سوغاتی دادن، مادر بزرگ به مرجان، خواهر کوچک‌تر زهره «دُر» نجفی می‌دهد. این سنگ، چشم زهره را می‌گیرد.





زهره همراه خاله و دختر خاله اش به خانه ی آنها می رود.



قربون دستت خاله. چه خوب. اصلاً آگه مامان اجازه می ده با ما بیا خونمون، تو پیشمون باشی شاید روحیه ی مهتاب هم بهتر بشه.

خاله جون آگه می خوام تسبیح تربت کربلا را که مادر بزرگ آورده، بدم بندازی گردن مهتاب.

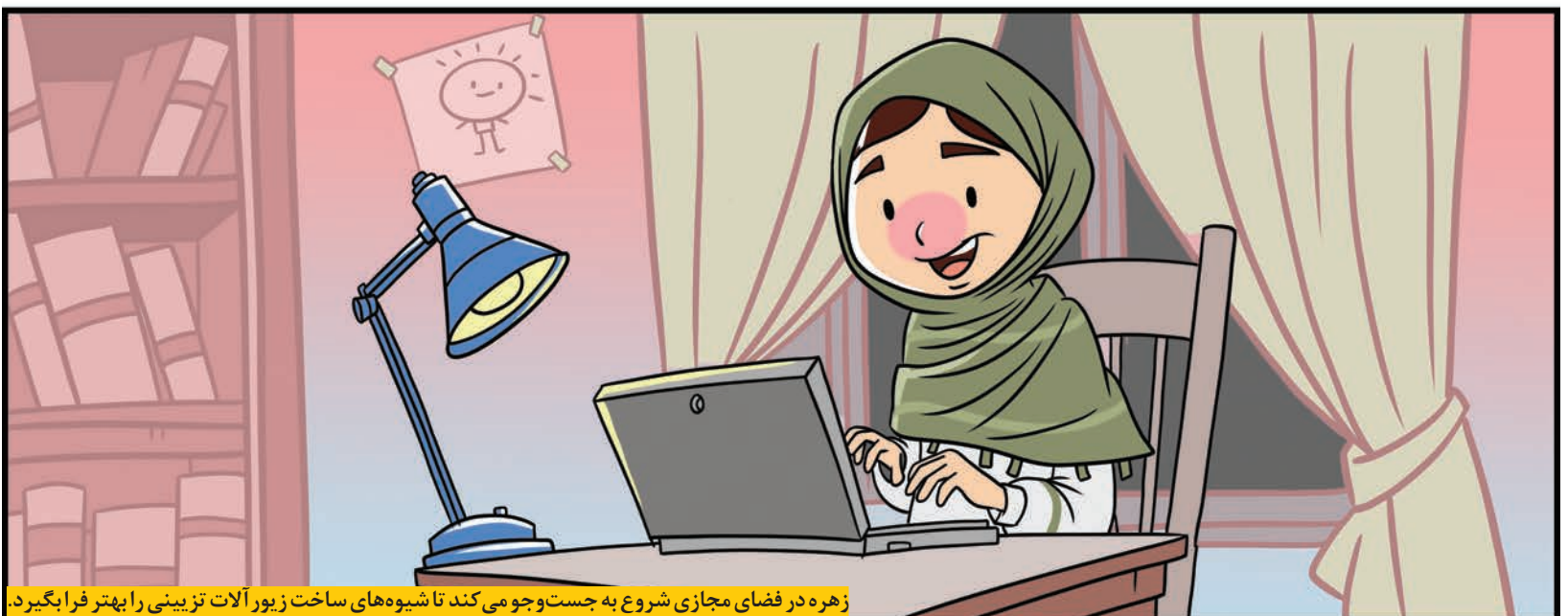


هر بار که می ریم شمال، مهتاب کلی صدف و سنگ کوچک جمع می کنه و می آره. بعد از بین همه شون، بعضی از صدفا و سنگا براش عزیز تر می شن که اونارو نگه می داره.

آگه شما و مهتاب جان موافق باشید شاید بتونیم با تعدادی از این صدف ها و سنگ ها یه چیزایی درست کنیم.



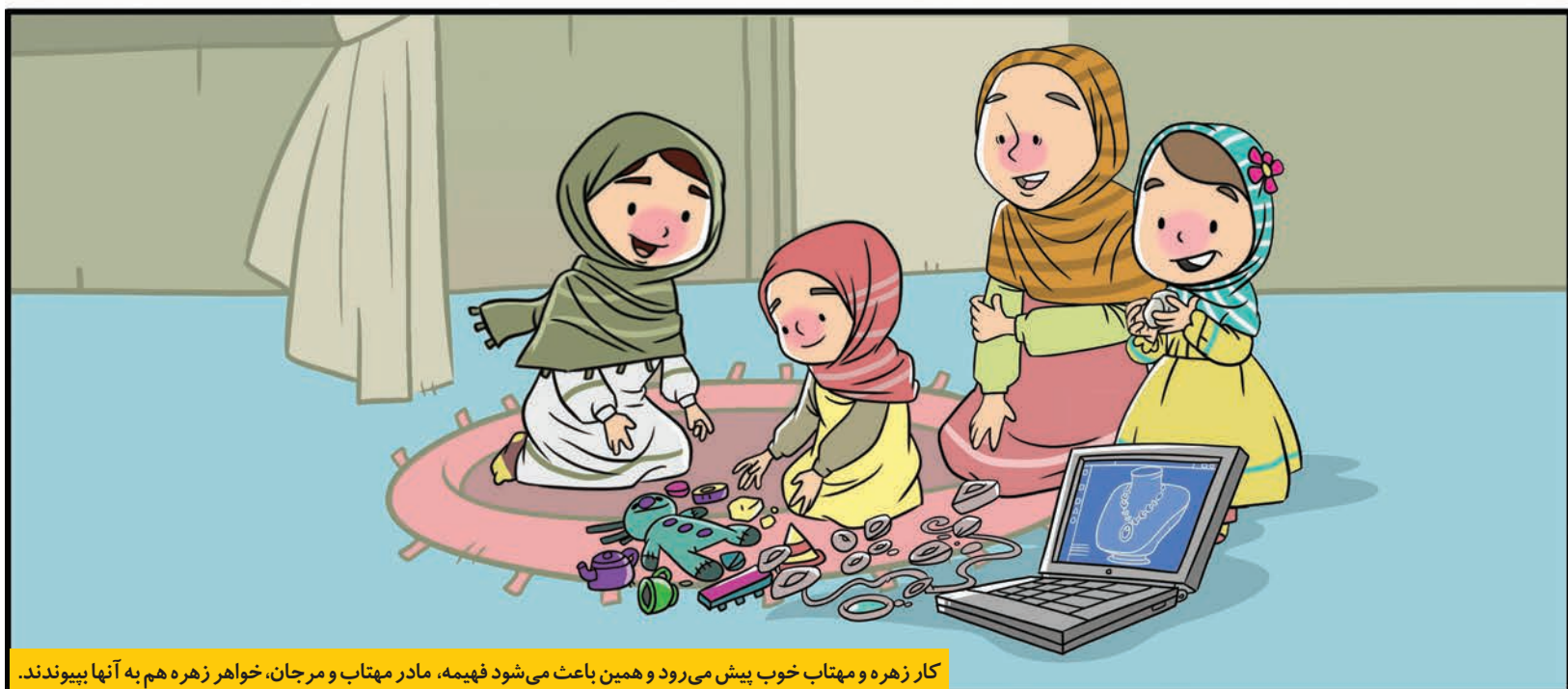
زهره مشغول بازی با مهتاب می شود تا کمک کند روحیه اش تغییر کند و حالش بهتر بشود.



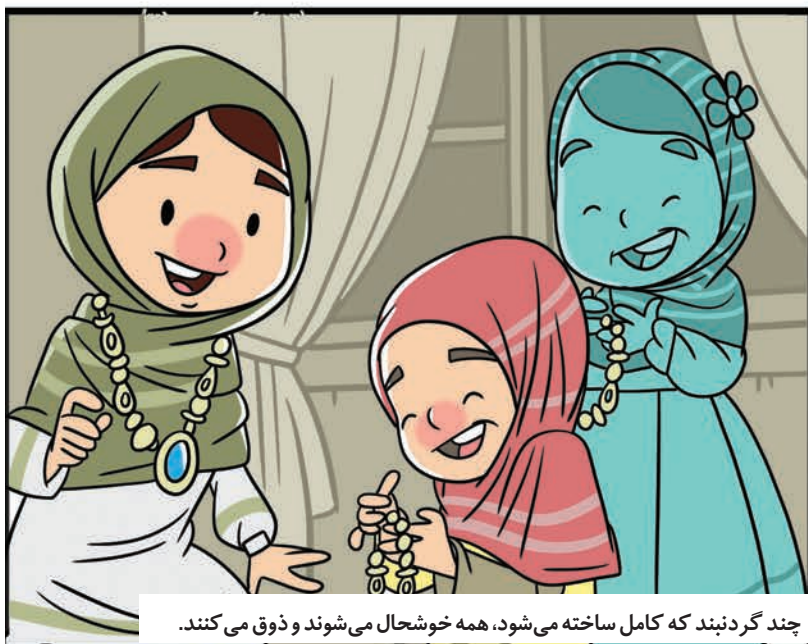
زهره در فضای مجازی شروع به جست و جو می کند تا شیوه های ساخت زیور آلات تزئینی را بهتر فرا بگیرد.



زهره با کمک مهتاب و با استفاده از مطالب آموزشی سایت‌های مرتبط شروع به ساختن چیزهایی می‌کنند.

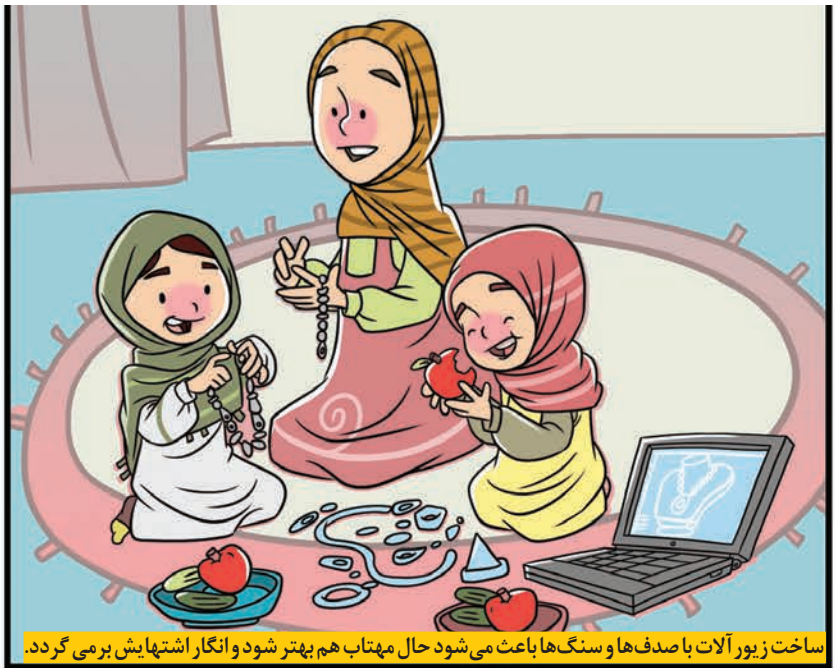


کار زهره و مهتاب خوب پیش می‌رود و همین باعث می‌شود فهیمه، مادر مهتاب و مرجان، خواهر زهره هم به آنها بپیوندند.



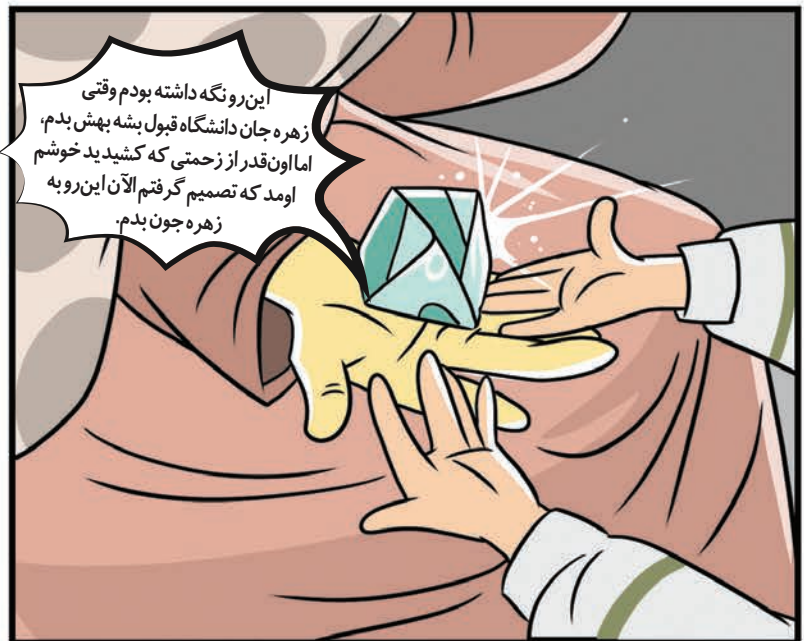
چند گردنبندها که کامل ساخته می‌شود، همه خوشحال می‌شوند و ذوق می‌کنند.





ساخت زیور آلات با صدف ها و سنگ ها باعث می شود حال مهتاب هم بهتر شود و انگار اشتهايش بر می گردد.

زهره با کمک برادرش برای عرضه و فروش زیور آلات ساخته شده یک سایت، صفحه و حسابی در شبکه های اجتماعی راه اندازی می کنند.



این رونگه داشته بودم وقتی زهره جان دانشگاه قبول بشه بهش بدم، اما اون قدر از زحمتی که کشیدید خوشم اومد که تصمیم گرفتم الآن این رو به زهره جون بدم.



آنها در سایت، تصویر یک گردنبند ساخته شده را هم به عنوان نمونه می گذارند و می نویسند که هر زائر نجف که با خود ذری بیاورد، می تواند ساخت چنین گردنبندی را سفارش بدهد.

## همشاهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات دوچرخه، بچه ها، خانواده، پایداری، اقتصاد، تندرستی خردنامه، داستان، دانستنیها، سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهرنگار، سرنخ و محله نشانی: تهران، خیابان ولی عصر نرسیده به پارکوی، کوچه شهید فریسی شماره ۱۴، روزنامه همشهری

صندوق پستی دوچرخه: ۵۴۴۶-۱۹۳۹۵

پست الکترونیکی: docharkheh1402@gmail.com

تلفن: ۲۳۰۲۳۶۷۴ چاپ: همشهری پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

دوچرخه در پیام ران های داخلی: @docharkhe\_hamshahry

### واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
تصویرگر: شهرام شیرزادی  
صفحه آرایی: شیوا فبری  
حروفچینی و تصحیح: همکاران فنی تحریریه روزنامه همشهری  
ویرایش عکس: کامبیز نویدی



ضمیمه هفتگی روزنامه همشهری ویژه نوجوانان  
سال بیست و دوم، شماره ۱۰۹۸ - سه شنبه ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سر دبیر: دانیال معمار  
معاون ضمايم: پروانه بهرام نژاد  
دبیر ضمیمه: مناف یحیی پور